

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: عثمان حیدری

۲۶ جنوری ۲۰۱۷

جمهوری اسلامی مسئول فاجعه پلاسکو

ابعاد واقعی فاجعه انسانی ناشی از آتش سوزی و فرو ریختن ساختمان پلاسکو هنوز هم برای افکار عمومی روشن نیست. اگر چه آمار تلفات این فاجعه لحظه به لحظه در حال تغییر است، اما منابع رسمی و حکومتی تا کنون از ارائه آمار دقیق خودداری کرده اند و تا کنون تنها اسامی تعداد انگشت شماری رسانه ئی شده است. گزارش های مختلف حاکی است که تعداد قربانیان حدود بیست و پنج نفر است که شانزده نفر آنها آتش نشان بودند. علاوه بر قتل این کارگران، بیش از چهار هزار کارگر ساختمان پلاسکو در نتیجه این سانحه دهشت بار بیکار شده اند که با خانواده هایشان قربانی این حادثه و تبانی میان شهرداری تهران، وزارت کار و بنیاد مستضعفان هستند. از این چهار هزار نفر، تنها حدود هفتصد و پنجاه نفر مشمول بیمه تأمین اجتماعی هستند و بقیه به دلیل خروج کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کار و یا به دلیل کار بی تأمین و غیررسمی و یا خویش فرمائی از حمایت های حداقلی تعریف شده در بیمه تأمین اجتماعی برخوردار نیستند.

دلیل اصلی پنهان سازی، ارائه اخبار ضد و نقیض و دروغ گوئی آشکار توسط نهادها و مسئولین ریز و درشت رژیم روشن است: ساختمان پلاسکو مانند بسیاری از مکان های مشابه در تهران فاقد استانداردهای ایمنی بوده و هیچ کدام از دم و دستگاه های حکومتی نیز سالهای سال در این مورد اقدامی نکرده بودند. اینان خوب می دانند با گذشت هر روز از این فاجعه، مردم به درستی رژیم را مسئول خواهند دانست. بنابراین می کوشند تا با سرپوش گذاشتن بر ابعاد این فاجعه و ارائه اخبار به صورت قطره چکانی شاید خود را از تیرس خشم کارگران و مردم بدور نگاه دارند. اما این شگرد تا هم اکنون نیز بی اثری خود را نشان داده و عملاً به ضد خود تبدیل شده است. مردم بنیاد مستضعفان، سپاه پاسداران، شهرداری تهران و وزارت کار را به طرق مختلف مسئول مستقیم این حادثه دلخراش می دانند. دروغ دانستن تبلیغات و اخبار رژیم از سوی مردم و انتشار ویدئوها و اخبار غیرحکومتی، سیل پیام های همبستگی، حمایت و قدردانی از کارگران شجاع آتش نشانی و ابراز همدردی و تسلیت به بازماندگان آتش نشانی که قهرمانانه برای نجات جان دیگران به جنگ حریق رفتند اما خود زیر آوار جان دادند، بهترین گواه این واقعیت است.

وقوع فاجعه پلاسکو به رغم همه ابعاد هولناک آن فقط یک استثناء و یا ناشی از بی مسئولیتی موردی و یا حتی اقدام عمدانه این یا آن نهاد و یا مقام حکومتی نیست، که البته همه این موارد نیز دخیل بوده اند؛ بلکه تنها نمونه ای از عواقب و نتایج شرایط ناامن در مکان های عمومی و محیط های کاری در سراسر ایران است. بنابر گزارش ها تنها در تهران

حدود ۳۰۰۰ ساختمان و مکان تولیدی، تجاری و اداری فاقد استانداردهای ایمنی هستند و هر لحظه در معرض همان خطری قرار دارند که در پلاسکو به وقوع پیوست.

به علاوه ارقام و آمار قربانیان "حوادث کار" در ایران بیداد می کند؛ طبق اطلاعات موجود تنها در سال جاری ۱۸۵۰ نفر به دلیل رعایت نشدن استانداردهای ایمنی در مراکز و محیط های کار جان خود را از دست دادند. در سال گذشته نیز ۱۴۹۴ نفر به همین دلیل در هنگام کار جان باختند. تعداد مصدومین ناشی از این حوادث، دهها بار بیش از آمار کشته شدگان است و این ارقام سال های سال است که افزایش می یابد. به این گونه ایران تحت حاکمیت رژیم سرمایه داری اسلامی در رده بالای جدول جهانی از لحاظ قربانیان حوادث کار قرار گرفته است. جان کارگر و انسان در اینجا بنا به منطق سرمایه از ارزان ترین کالاهاست. زیرا وقتی که حداقل هفت میلیون بیکار و جویای کار بدون برخورداری از حداقل حقوق بیکاری به امید پیدا کردن کار به هر دری می زنند و کارگران از جمله به دلیل سرکوب وحشیانه حکومتی فاقد تشکل مستقل هستند تا از منافع و جان خویش دفاع کنند، دولت به عنوان بزرگترین کارفرما و شرکت های نیمه دولتی و خصوصی با حمایت دولت به منظور افزایش سودآوری، از ایمن سازی محیط های کار خود داری می کنند و به این ترتیب مراکز کار در هر حادثه ای به قتل گاه کارگران تبدیل می شود.

بر متن و به دلیل چنین شرایطی است که بانی اصلی فاجعه پلاسکو برای کارگران و مردم آزادیخواه و برابری طلب ایران مشخص است: بانی رژیمی است که می تواند با صرف سرمایه های کلان و خرید مجهزترین دستگاه ها در شهرهای کشور من جمله تهران، شیراز، مشهد، تبریز، اهواز، سنج و اصفهان تا زندانهای سراسر ایران به پارازیت افکنی بپردازد؛ بانی نظامی است که با عزم راسخ و تجهیزات کامل، نیروهای وحشی، بی رحم و سرکوب گرش را سحر گاه به سراغ کارگران معترض و اعتصابی شرکت واحد می فرستد و صدها نفرشان را به همراه اعضای خانواده دستگیر و زندانی می کند؛ بانی حکومتی است که تجمعات کارگران "سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران" در سالهای اخیر در اعتراض به قانون مشاغل سخت و زیان آور و همچنین مشکلات صنفی و رفاهی آنها را با تهدیدات شدید، ایجاد رعب و وحشت، تعهد گرفتن، محروم کردن، تصویر برداری از تجمع اعتراضی آتش نشانان و اذیت و آزار تجمع کنندگان پاسخ می دهد، اما به ایمن سازی محیط های عمومی و مراکز کاری کمترین اهمیتی نمی دهد و آتش نشانان از جان گذشته را مجبور می کند با تجهیزات فرسوده و از رده خارج شده به جنگ آتش سوزی آنها در ابعاد ساختمان پلاسکو بروند و جان خود را فدا کنند.

اندوه و خشم عمومی از این فاجعه تنها هنگامی می تواند از خود اثر مثبت و پایداری به جای نهد که باعث دگرگون کردن این شرایط ضد انسانی و جنایت کارانه شود. در بسیاری از کشورها مرسوم است که به دنبال وقوع یک فاجعه هولناک اما اجتناب پذیر، مبارزه و کارزارهایی برای از بین بردن امکان وقوع مجدد فاجعه بر پا می شود. تدارک چنین مبارزه و کارزاری، و یا حمایت از آن، وظیفه همه کارگران و کلیه انسانهای شریفی است که فاجعه پلاسکو دلشان را به درد آورده است. نبود تشکل های مستقل کارگری و آزادی عمل آنها و در غیاب مبارزه متشکل و سراسری کارگران در اعتراض به ناامنی شرایط و محیط های کار، منافع رژیم و سرمایه داران ایجاب نمی کند که محیط و مراکز کاری ایمن سازی شوند. مقامات، نهادها، وزارت خانه ها، شهرداری ها، بنیادها و باند های مختلف چنان سرگرم دزدی، اختلاس و ثروت اندوزی هستند که ایمن نبودن مکان های عمومی و مراکز کاری حتی توجه شان را جلب نمی کند.

اجتناب پذیر بودن فاجعه پلاسکو و مرگ دردناک آتش نشانان و دیگر کارگران و شهروندانی که در زیر آوار جان دادند، تلنگر دردناکی است بر هر وجدان انسانی. این فاجعه، موجی از اندوه، تأسف و اعلام همدردی با آتش نشانان و

خانواده جانبختگان را در ایران و دیگر کشورها به دنبال داشته است. این موج می تواند و باید به مبارزه و کارزار اعتراضی علیه نادیده گرفتن استانداردهای ایمنی در محیط های عمومی کار و بی حقوقی طبقه کارگر ایران تبدیل شود و بانیان و سبب سازان این شرایط جنایتکارانه را هر چه بیشتر رسوا و محکوم کند. تشکل های مستقل کارگری ضامن اصلی تحقق ایمن سازی محیط کار هستند، بنابراین هر اعتراضی نسبت به فجایع کار لازم است که به حمایت از ایجاد تشکل های مستقل کارگران پیوند یابد.

اتحاد بین المللی ضمن اعلام همدردی و همبستگی با کارگران شجاع آتش نشانی تهران و کلیه کارگران صدمه دیده در این حادثه دلخراش، جان باختن آتش نشانان و کارگران ساختمان پلاسکو و همه افرادی که در این فاجعه قربانی شدند را به خانواده آنها و طبقه کارگر تسلیت می گوید؛ و بیش از پیش تلاش خواهد کرد که با افشای این جنایات حمایت تشکل های کارگری در سطح بین المللی از کارگران آتش نشانی و همه کارگران ایران در مبارزه برای ایجاد تشکل مستقل و برای ایمن سازی محیط های کار را جلب نماید .

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۲۳ جنوری ۲۰۱۷